بسم الله الرحمن الرحیم

سخنرانی آیت الله ضیاءآبادی \_ تفسیر سوره انبیاء \_ آیه 105 \_ شماره آرشیو 420

الحمدالله رب العالمین وصل الله وعلی سیدنا و نبینا وحبیب الهنا ابالقاسم محمد صلی الله وعلیه وعلی ال طاهرین ولعنت الله علی اعداعهم اجمعین الی قیام یوم الدین

السلام علی المهدی الذی وعدالله عزوجل به الامم ان یجمع به الکلم ویلم به الشعف ویملا به الارض قسطا و عدلا ویمکن له وینجز به وعد المومنین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون

در دو جلسه گذشته عرض شد که انسان اگر به این حقیقت توجه کند که مسافریست رو به مقصد بسیاربزرگ و حیاطی میرود و اون لقاع الله است وتقرب جوهره ای به کمال لایتنی ها،بهم توجه کند که این مسیری که بسوی اون مقصد میخواهد طی کند در این مسیر مزاحمات،مشکلات،موانع راه زنی ها فراوان است که شیطان دشمن آشکار انسان قسم خورده برای اقوا لاقعدن لهم صراطک المستقیم ثم لاتینهم من بین ایدیهم ومن خلفهم وعن ایمانهم وعن شمائلهم باتوجه به این دومطلب قهرا احساس میکند که نیاز دارد به هدایت و راهنما که اگرهدایت نشود به هلاک ابدی می افتد حالا امروزهم درتعقیب وتاکیدهمون مطلب عرض میکنم که ازجمله ی تقاضا های فطری وخواسته های درونی انسان هدایت خواهیست،پیشوا طلبی،به اصطلاح شرعی خودمان امام جوییست همون گونه ای که انسان برحسب سرشتش وفطرتش یاغریزه وطبیعت هرچه تعبیر کنید آب طلبی دارد،نیازبه آب دارد،نیاز به غذا دارد،آب طلب است و غذا طلب است که اگر به او نرسد میمیرد به همین کیفیت انسان درفطرت خودش وازسرشت خودش امام طلب است امام جویی میکند که اگر به اونرسد به هلاک ابدی می افتد تاریخ زندگی بشر نشان میدهد که در تمام اعثار وادوار تحت هر شرایت و اوضاع و احوالی که بوده است دنبال یک انسان کاملی بوده یعنی این از درونش منبعث شده در جستجوی یک فرد انسانیه کامل بوده که رشته ای طبعیت از او را به گردن بیافکند ونقائص وکمبودهای حیاتی خودش را باتبعیت اوتکمیل کند هرچند درهمین راه غالبا خطای در تطبیق هم کرده یعنی ناقص را کامل انگاشته نقص راکمال تصورکرده دنبالش رفته به گمراهی افتاده است همانگونه ای که فطرت خداجویی درانسان هست همین فطرت خداجویی او را به بت پرستی کشانده این بت پرستی ها که درعالم بوده است خورشید پرست،ماه پرست ستاره پرست،دریا پرست،گاو پرست،گوساله پرست اینها همه ازهمون فطرت خداجویی منبعث شده دنبال خدامیرود در تطبیغ خطا کرده غیر خدا را جای خدا نشانده است به گمراهی افتاده در امام طلبی همین جور است انسان فطرتا دنبال یه فرد انسانیه کامل است که از او تبعیت کند الگو بگیرد منتهی خطا در طتبیق میکند گاهی فراوان،دنبال موجودات ناقص میرود به خیال اینکه کامل اند ازهمین راه مرشد پرستی ها،پیرطریقت،قطب اینها ازهمین راه پیداشده وازهمین فطرت امام جویی انسان سوء استفاده کردند بسیاری ها وخودشان را بجای امام حق غالب زده اند او را به بدبختی کشونده اند فراوان اند ازاینها کنی درهرحال ازهمون تقاضای فطری خودش تبعیت کرده الهام گرفته دنبال اون رفته است ولذا روی این جهت میگیم که مسئله امام جویی فطری است همانگونه که خداجویی فطریه امام جوی فطری است دنبال او میرود منتهی چون اشتباه میکند درطتبیغ ازاین جهت عقل به میان میاد او نظرمیدهد میگه اونی که میخواهی اوباید دارای این دو صفت باشد هم جاعل نباشه هم خائن نباشد هم بصیرباشد راه شناس باشد وهم امین باشه همونطور که عقل در خداجویی همین نظر رو میده میگه اونی که دنبالش میگردی که معبود توباشد و صمد باشد و حوائج تورا تامین کند این زمین نیست،آسمان نیست،ماه نیست،خورشید نیست،گاو وگوساله نیست معین میکند اویک وجود لایتنی ها در کمال لایتنی ها او معبود توهست در همینجا هم عقل نظر میدهد به اینکه دنبال یک انسان کامل میگردی که ازش تبعیت کنی درسته این فطرت درسته اما اشتباه میکنی هرانسانی که ادعای کمال کرد که نمیشود مطبوع تو باشد باید هم دارای علم باشد جعل نباشه هم خطا نداشته باشه اشتباه نکند وهم خائن نباشه منفعت طلب نباشه خودخواه نباشه ریاست طلب نباشه برای خودش نباشه اونی که دنبالش میگردی باید معصوم باشه همون عصمت که ما میگیم یعنی باید هم عالم باشد به تمام رموز هدایت وحقایق وهم خاطی نباشه خائن نباشه خود را نخواهد تورا بخواهد پس صفت عصمت حکم عقل است لزوم امامت حکم فطرت است فطرت مقدم برعقل است آنجایی که فطرت است هنوز عقل نیامده یک کودک نوزاد وقتی از مادر متولد شده است احساس گرسنگی میکند وگریه میکند شیرمیطلبد این شیر طلبی حکم عقل نیست چون عاقل هنوز نیست عقل در وجود او هنوز نیست آن همان فطرت غریزه از طبیعت است احساس میکند نیاز را و داد میزند گریه میکند آدم گرسنه آدم تشنه که دنبال آب ونان میرود حکم عقل نیست حکم فطرت است گرسنه است دنبال غذا میگردد تشنه است دنبال آب میگردد منتهی اگر هدایتش نکنند سراغ غذاهای مفسد میرود و به هلاکت می افتد پس حکم امام طلبی حکم فطرت است فطرت دنبالش میبرد همان خدا وامام هردوچون امام مظهرهمان صفات خداست،خداجویی درفطرت است،امام جویی درفطرت است منتهی عقل باید نظربدهد که کیست چیست اونیکه دنبالش میروی وامام تو باشد وهادی تو باشد به حکم عقل عصمت لازم است پس لزوم امامت فطری است،لزوم عصمت عقلی است پس عقل وفطرت هردوباهم دست به دست هم میدهند ولزوم امام معصوم را اثبات میکنند باید در زندگی بشر امام معصوم باشد همان گونه که خدای کامل و مطلق باید باشد درعالم امکان وعالم طبیعت وماده هم باید امام معصوم باشداین حکم فطرت وعقل است حالا تائین اونی که امام است تائین آن با چه کسی است آن با وحی است وقتی فطرت وعقل گذشتیم ازش درمرتبه مقدم فطرت است درمرتبه متاخرعقل است وبعدش نوبت وحی است ولی آن کسیکه فطرت وعقل حکم میکنند باید در زندگی بشر باشد بعنوان امام معصوم خوب آن کیست آن روباید وحی معیین کند همان گونه ای که اگرغذای سالم وآب سالم به آدم تشنه و گرسنه نرسد به سراغ غذای مفسد میرود اگر امام حق هم به بشرعرضه نشود به حکم فطرتش سراغ افراد نالایق میرود افراد ناقص را انتخاب میکند منتهی وحی اینجا به داد فطرت وعقل میرسد نظرمیدهدمیگه وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا واوحینا الیهم فعل الخیرات واقام الصلاه وایتاء الزکاه وکانوا لناعابدین ماگروهی را خود بعنوان امام معیین کرده ایم وخود ساخته ایم ساختمان وجود آنها به دست ماست ماهمانی که تقاضای آب طلبی دادیم آب هم دادیم،تشنگی ما داده ایم آب هم ما دادیم،گرسنگی ما داده ایم آب هم ما داده ایم نان هم ما داده ایم جنین در رحم مادر طلب خون میکند خون میخواهد غذاش همان است اما وقتی که آمد به این دنیا مزاج عوض میشود ونان میخواهد همان کسی که در رحم مادرخون را غذای او قرار داده همان کس به محض اینکه آمد به دنیا پستان پراز شیردر اختیارش میگذارد تقاضا رو خودش میدهد،عرضه هم خودش میدهد حالا میگه من همان ام تقاضای امام طلبی من داده ام امام هم من خودم معین میکنم وما من دابه فی الارض الا هو آخذ بناصیه ها ان ربی علی صراط مستقیم من خودم جعل امامت کرده ام گروهی را صالح قرار داده ام وکلا جعلنا صالحین اول صلاحیت وشایستگی مخصوص داده ام به گروهی ومنسب امامت را به آنها داده اند آن الان کار من است فطرت میگوید من امام میخواهم عقل میگه باید معصوم باشد وحی میگه بسم الله همان امام معصومی که میخواهد این است وجعلناهم ما انبیا و اولی را پیشوایانی قرار داده ایم جعل مال ماست وجعلناهم انتخابی نیست ما انتساب کرده ایم ما خوب قرار داده ایم شما ابوبکر نسازید،عمر نسازید،ما قراردادیم خودمان وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا هادی هستند آنها همان هدایتی که فطرت میخواهد ما قرار دادیم واوحینا الیهم فعل الخیرات بطور وحی تکوینی در ساختمان وجودشان ما منبع خیرات قرار دادیم واوحینا الیهم فعل الخیرات واقام الصلاه و ایتاء الذکاه وکانوا لنا عابدین وکلا جعلنا صالحین مربوط به ماست ما صلاحیت میدهیم ولباس امامت هم برآن میپوشانیم درباره ابراهیم علیه السلام و اذ بتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما برای ابراهیم صحنه های امتحانی سنگین پیش آوردیم که خوب پخته بشود وبرای امامت صالح بشود بعداز اینکه مراحل طی کرد گفتیم حالا امامت کردیم انی جاعلک للناس اماما از این لام للناس احتمالا میشود استفاده کرد که اصلا امام طلبی از درون خود انسان برمیخیزد للناس اماما،آیه دیگر فرمود فاما یاتینکم منی هدی از جانب من هدایت خواهد آمد اشتباه نکنید هادی رو من میسازم فاما یاتینکم منی هدی فمن تبع هدای فلا خوف علیهم ولاهم یحزنون هادی ما میفرستیم هر کسی دنبال هادی فرستاده ما رفت خوفی ندارد،حزنی ندارد همین فطرت است فاقم وجهک للدین حنیفا فطرت الله التی فطرالناس علیها آن دلبستگی به خدا وامام که مظهرصفات خداست این فطرت است که عرض شد به فطرت مربوط است فاقم وجهک للدین فطرالله التی فطرالناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم آن دین قیم واستوارهمین است درفطرت شما قرارداده ایم هم خداجویی وهم امام جویی پس فطریه حالاشما یک چند جمله ای بنده میخوانم از اذن دخولی که درزیارت اولیای خدا آمده اینها برای ما خیلی مقتنم است ما غالبا به الفاز وظواهر اکتفا می کنیم وتدبر و تامل نمی کنیم دعاها وارد شده،مناجاتها وارد شده،زیارتها وارد شده هرکدام اینها منبعی هستند برای معارف،برای حقایق که عقل آدم نمیرسد به آنها باید از آنها بگیرد،در اذن دخول داریم وقتی که کنارقبر مقدس پیامبراکرم(ص)یا سایر مشائل مشرفه فرق نمیکند همه آنها نور واحد هستند میخواهد داخل بشود خوب حالا ما همینطوری وارد میشویم و خیلی هم نه امام رو خوب میشناسیم نه اون عظمت مقام رومیشناسیم خیلی هنرکنیم در رو میبوسیم دیوا رو میبوسیم خوب اینها احترام است،ادب است،اما ادب نشات گرفته ازمعرفت وشناسایی ارزش داره حالا همینطوری ظواهررا دیده اند وخوب خیلی هم مغلوب ظواهرهستند چه بسا اشخاصی که کنارقبرمقدس امام رضا(ع)خیلی با عظمت وارد میشوندچون آن صحنه ها رو می بینند آن روضه ها رو می بینند مغلوب میشوند همینها اگرکناربقیع بروندخیلی براش احترام قائل نمیشوند وقتی چهارامام اونجاهست دیده شده گاهی باکفش میروند مثلا گاهی ناراحت اند آب دهن می اندازند ونمیفهمند ندارند،حالا ما اونیکه گفتن شما مقابل قبرمطهرشان که می استید درحرم مطهرکه با ادب وارد بشوید این جملات رابگوییدکه گفتند الهم ان هذه بقعه طهرتها خدایا اینجاکه ایستاده ام این مکان مقدسی است که طهارت داده ای تو آن را طهرتها همانیکه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا طهارت مطلقه داده ای خدایا اینجا که ایستاده ام بقعه طهرتها وعقوه شرفتها آثار اقدسی است وساعت مقدسی است که آنها رو تو شرافت داده ای حیث اظهرت فیها ادله التوحید دراینجاها ادله توحید را قرارداده ای دلیل توحید آن کسانیکه راهنما هستند تا ما را برسانند به شناختن کمال مطلق موحد باشیم دلیل ما آنها هستند ما خودمان نمی توانیم فطرت ما امام رو میخواد ما نمیشناسم خوب عقل ماهم میگه باید معصوم باشد اما بازنمیشناسیم کیست آن کسانی که هم مطلوب فطرت است هم محبوب عقل است اینها هستند ادله التوحید راهنمایانی هستند که غیراینها کسی نمیتواند آن راه رونشان بده ادله التوحید واشباح العرش المجید اینها کسانی هستند که درعرش مجید احاطه به عرش مجید داشته اند ما عرش رو خوب نمی فهمیم آن مقام حکومت خدا حاکمیت خدا مقام آدمیت خدا علم خدا وقدرت خدا حکومت خدا عرش اینها اطراف آن منطقه اند خلقکم الله انوارا فجعلکم بعرشه محدقین خدا شما را انواری آفریده به عرش خودش محیط قرار داده ما چی میفهمیم ما درروزقیامت درک نمیکنیم که خودعرش یعنی چه بعد احاطه برعرش یعنی چه مقام علم خدا و مقام قدرت خدا دراختیاراینها باشد که محدق به عرش مجید هستند الذی سکتهم ملوکا لحفظ نظام من معتقدم خدا اینها را توملک قرار دادی سلطان مطلق برای حفظ نظام خلقت ما درظاهررفاقت می بینیم این نظام خلقت بسته به اراده آنها ملکا فرمانروا هستند آن را قرارداده که فرمانشان نافظ باشد ملوکا لحفظ نظام و رئسا لجمیع الانام حفظ نظام دست آنها است میگه که امام زمان ارواح الفداح حالا که غایب است خوب دردسترس نیست ماچیکارکنیم مثلا ازکجا بگیریم ما خیال میکنیم که کار او فقط همین است که بیاد احکام بیان کند وشریعت بیان کند وکارش فقط اصلاح عالم است تنها این نیست که پس اگه الان درحال غیبت است خوب نیست که احکام را از او بگیریم وعالم که اصلاح نمیشود این همه جبارها درعالم حکومت میکنند پس کاراوچیست کار او حفظ نظام است اصلا نظام خلقت را او دارد اداره میکند تنها مسئله اقامه عدل نیست تنها مسئله بیان احکام نیست میگوییم حالا که درحال غیبت است نه اقامه عدل هست نه بیان احکام است خیرحفظ نظام است که اگرنباشد او اصلا اگر نازی کند او فرو ریزند قالبها همه چیزبهم میریزد نه کهکشانی هست ونه منظومه شمسی هست و نه زمینی نه آسمانی نه بنده وشما و نه نفسی هیچی تمام اینها ازبرکات وجود اوست بیمنه رزق الوراء وبوجوده ثبتت الارض والسماء زمین وآسمان بستگی دارد بوجود او به اراده او به خواست اوکه خداقرارداده پس آنها ملوکا لحفظ نظام ورئسا لجمیع الانام ریاست داده ای درفطرت انسان ها ریاست آنها ثابت است که این جمله آخرم که مایید حرف بنده است کما اوجبت ریاستهم فی فطرالمکلفین در فطرت مکلفین قرارداده ایم فطرتشون جویای همان ریاست است ریاستشان را در فطرت مکلفین قرارداده ایم فطرتا طالب این مطلب هستند جویای آن هستند وبعثتهم لقیام القسط فی ابتداء الوجود الی یوم القیامه آن را برانگیخته ای قرارداده ای که ازاول که خلق آفریده ای آنها را قرارداده ای که تا روز قیامت بخواهند اقامه قسط کنند آنها باید باشندعاقبت جامعه بشرراجامعه انسانهابسازنداگرنباشندانسان نیستند قرارداده ای که بیایند تا روزقیامت جامعه انسان هارا جامعه عدل بسازندوراستی اگرامام آفریده نشده بودکه جامعه بشر را به راه سعادت ابدی بیافکند به حیات جاودانی برساند یک دستگاه لغوی میشد واقعا دستگاه لغو بی مزه ای اصلا کودکانه میشد این خلقت همین زمین و آسمان وهمه آنهایی که این همه نظامات خلقت درست شده کهکشانها،منظومه ها،زمین وآسمان برای انسان،انسان برای چی ؟ بره دنبال یزیدومعاویه وفرعون وشداد وهمینها اینها حکومت میکنند دیگه مال اینها باشه واقعا این دستگاه لغو و بی مزه ای میشد درست مثل اینکه یک کسی در یک فضای وسیعی خانه ای بسازد بسیار مجلل همه چیز در آن هست مجهز،سالنها و خانه ها وبعدهم حوضها وهمه چیز،بعد در رو که بازکند گرگها و خوکها بیان بریزند درآن بعد آنها مشغول بشوند بزنند همدیگر رو بکوبندوفضله ها بریزندوکثافت،میگه آقا شما برای چی این خانه را ساخته ای میگوید برای همینها که گرگها بیان وخوکها بیان،میگه عجب،یک کار ابلهانه ایست،این کارعاقلانه نیست،واقعاهمینطورمیشه اگر بناشد که همین باشد این عالم روساخته این همه عجیب خورشید روبه این عظمت وماه و ستارگان رو همه اینها برای چی برای اینکه بیان همین شدادها وفرعونها ومعاویه ها بیان اینجا فضله بریزندوهمدیگه روبزنندوبکوبندوکثافت،خوب این واقعا لغواست ما حق اعتراض به خدا داشتیم بگیم خدایا یعنی چه اینهاروخلق کردی برای همینکارمیگه اینجور نیست وما خلقنا السماء والارض ومابینهما لاعبین من که بازیگرنیستم که وماخلقنا السماوات والارض ومابینهما الابالحق من غایتی دارم هدفی درمیاوردم آن دستگاه عادلانه وعاقلانه خلقت وقتی درست میشود که گردانده اش علی امیرباشد،مدیرومدبرش امام حجة ابن الحسن(ع)باشد،آن وقت در این صورت است که میشود بگوییم درست است بگوییم همه این نظامات عظیم خلقت ساخته شده برای انسان،انسان برای تبعیت ازعلی امیر(ع)وامام زمان ارواحنا،این درسته که نتیجه اش حیات ابدی میشودسعادت سرمدی میشودولذا فرمودند لولاک لماخلقت الافلاک اصلا تونبودی من خلق نمی کردم تو ای پیغمبروجانشینانت اگرشمانبودیدمن خلق نمیکردم برای چی،اینهمه آسمانهاونظامات خلقت برای چی،برای همین انسان،این نیست ولذا ولولم یبق من الدنیاوالایوم واحد لطول الله ذالک الیوم حتی یبعث الله رجلا صالحا من امتی من اهل بیتی یواطئ اسمه اسمی وکنیتهم کنیتی یملا الارض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما و جورا اگر امور دنیا تمام بشود یک روز بماند در همان یک روزخدا آنقدر طولانی میکند آن یک روز را تا مردی از اطرت من ظاهربشود تاعالم را پرازعدل وداد بکند ولقد کتبنا فی الزبورمن بعدالذکران الارض یرثها عبادی الصالحون قانون من اینه مقررکرده ام بایدحتما زمین به دست بندگان صالح بیافته نه افراد شکم پاره ها واین مردمی که کثیف وپست وپلید وامثال معاویه ها برای این نساخته ایم که باید زمین،عالم به دست بندگان صالح من اداره بشود این است که ما باید در این زمان غیبت،اولا باید جوانهامون متوجه باشند خیلی با آیات قرآن وروایات درارتباط باشیم که این عقیده ما نسبت به حضرت مهدی(ع)رسوخ پیداکنددرجان ما تحکیم بشود چون شرایط مشکک فراوان است تذلذل ایجادکنند ما بسیاربا آیات و با روایات مانوس باشیم حداقل خودمان عقائدمان محکم باشد حالا به دیگران نرسیدیم بتوانیم هم خودمان تحکیم عقائد کنیم هم مردم را اگر توانستیم آنها را آشنا کنیم با مطلب اینکه روایات ما زیاده درباره حضرت مهدی(ع) فراوان نوشته شده منتخب الاثر کتابی است که جمع آوری کرده تمام روایاتی که از همه معصومین رسیده،ازهمه معصومین درباره امام زمان روایت رسیده که خواستند تحکیم کنندعقائد مارو نمونه درغدیرخم همان روزی که پیامبراکرم مولای ما رو به ولایت نسب کرده همان روز سخن از امامان به میان آورد بعد مخصوصا روی حضرت مهدی تکیه زیاد دارد درهمان خطبه غدیریه روی امام حضرت مهدی(ع) زیاد تکیه دارد خصایص آن حضرت رو بیان می کند که ما روشن تر بشویم این چندجمله ازهمان خطبه غدیریه عرض میکنم که کلامشان نور است ونورکلامشان درقلب مامی تابد فرمود(معاشرالناس)خوب خطبه اش مفصل است چند جمله ای که انتخاب شده(معاشرالناس)انه آخر مقام اقومه فی هذالمشهدمردم بدانید این آخرین موقفی است که من ایستادم باشما صحبت میکنم بعد دیگه شما رو نخواهم دید به اینجا هم نخواهم آمد چون اواخر عمرشان بود دوماه بعدازآن خطبه هم از دنیا رحلت فرمودند،فرمودکه این آخرین موقفی است که ایستادم فاسمعوا و اطیعوا بشنوید،اطاعت کنید وانقادوا لامرربکم فرمان خدا را اطاعت کنید فان الله عزوجل هو مولاکم والهکم دردرجه اول خدا مولای شماست بعد ثم من دونه محمد(ص)بعدازخدامن هستم ولیکم القائم المخاطب لکم منم که ایستادم مقابل شما باشما صحبت میکنم بعدخدا ولی شما من هستم ثم من بعدی علی ولیکم بعداز من علی ولی شماست وامامکم به امر ربکم ثم الامامه من فی ذریتی بعداز او در ذریه من که از صلب اوست امامت مستقر میشود الی یوم تلقون الله ورسوله،(معاشرالناس )ذریـه کل نبی من صلبه مردم هر پیغمبری ذریه اش از صلب خودش بوده ولی ذریه من از صلب علی خواهدبود وذریتی من صلب علی (معاشرالناس)آمنوابالله ورسوله والنورالذی انزل معه مردم ایمان بیاوریدبه خدا ورسولش و آن نوری که همراه ایشان نازل شده بعد،النورمن الله عزوجل فیه مسلوک آن نور الهی در وجود من قرارداده شده،ثم فی علی بعد درعلی قرارداده شده،ثم فی النسل منه بعد بع از او الی القائم المهدی بعد از او ذریه تا به مهدی میرسد(ص)الذی یآخذ بحق الله و بکل حق هو لنا او خواهد آمد که حق خدا را میخواهد گرفت وحقی که ما داریم خواهد گرفت وقد بلغت مومنت بعد فرمودکه مردم من رساندم مطلب را مامور بودم از جانب خدا رساندم به تبلیغه مامور به تبلیغ بودم حجـت علی کل حاضر و غایب حجتی است تمام کردم بر شما آنهایی که حاضراند وآنهایی که غایب اند آنهایی که متولد نشدند هنوز در صلب پدرها هستند در رحم مادرها هستند به همه آنها گفتم ابلاغ کنید حاضرین به غائبین بگویند،والدین به اولادشون بگویند که این تبلیغ من بود فلیبلغ الحاضر الغائب والوالد الولد الی یوم القیامه بعد راجع به حضرت مهدی فرمود که،یک مقدار بیشتر توضیح دادن راجع به ایشان راجع به هیچ امامی آنقدر در خطبه غدیریه تاکید نشده فرمودند مردم(معاشرالناس)الا ان خاتم الائمه منا القائم المهدی،الا انه الظاهر علی الدین اونیکه خاتم وآخر امامان خواهد بود در ذریه من او مهدی است،الا انه المنتقم من الظالمین،اوست که انتقام گیرنده از ظالمین است،الا انه فاتح الحصون و هادمها،او میاد تمام این قلعه ها وحصن هایی که ظالمان ساختن را خواهد ویران کرد،الا انه وارث کل علم والمحیط بکل فهم،اوست که وارث به همه علوم است،الا انه المخبر عن ربه عزوجل اوست که اخبار خواهد کرد والمشید لامرآیاته،اوست که اخبار خواهد کرد از جوانب خدا اونیکه خبر حقیقی است به عالم خواهد رساند،الا انه الرشید السدید،الا انه المفوض الیه،الا انه الباقی حجه ولاحجه بعده،بدانید آخرین حجت اوست بعداز او حجتی نخواهد بود،ولا حق الا معه حق جز با او نیست ولانور الاعنده،نور وهدایت جز او پیش کسی نیست اینها رو فرمودند.خوب حالا ما عرض کردم همین رقابت رو خوب برسی کنیم ومطالعه کنیم و در دل بسپاریم تنها تلفظ هم نباشه وهم آن رقابتی هم که جزء مجزات حساب میشه که چهارده قبل قرن فرمودن که روایت شده است که ما دیدیم چه شده است همینکه حوادثی که اون روز می فرمودند خواهد شد وما دیدیم که شده است خودش شاهد بر اینکه ظهور حضرت هم مسلمه اون کسی که ظهور حضرت رو خبر داده همان کسی است که این حوادث رو گفته و واقع هم شده که در این حوادث فرمود که سیاتی فی امتی زمان،زمانی خواهد آمد،تخبث فیه سرائرهم مردم جوری میشوند که باطن هاشون خبیث است ناپاک است ظاهرشان خوبه،تخبث فیه سرائرهم و تحسن فیه علانیتهم،باطن ها ناپاک است ظاهر خیلی پاک است،طمعا فی الدنیا،دنیا طلبی در جانشان رسوخ کرده،لا یریدون به ما عند الله عزوجل،پیش خدا آنچه که هست نمی خواهند،خدا را و وعده های خدا را نمی خواهند یکون امرهم ریاء،قالبا ریاکار میشوند،میگه لایخالطهم خوف،ترس در آنها نیست از خدا نمیترسند،یعمهم الله بعقاب،خداوند عقابی برایشان نازل میکند،فیدعونه دعاء الغریق فلایستجاب لهم،مثل آدمی که در آب دست وپا میزنه هی دعا می کنند وعجابت نمیشود چه زمانی است اذا رفع العلم و آن وقتی است که علم از بین میرود بارفتن علما،علما یکی یکی میروند قهرا علم برچیده میشود ما خودمان میبینیم چقدر ما علما را از دست دادیم و جای آنها خالی شده است واقعا جایشان خالی است و کسی آن را پر نمیکند با رفتن علما علم از بین میرود و ظهر الجهل جهل و نادانی ظاهر میشود وکثر القراءه و قل العمل،قاریان فراوان میشوند بله با قرآن به حسب ظاهر ارتباط دارند،حافظ قرآن،قاریان قرآن،مدرسین قرآن واما قل العمل قرائت وتلاوت و حفظ و همیه اینها زیاد میشود وقل العمل،کثر الشعراء و شعرا فراوان میشوند که قرآن نمیخوانندغالبا اینجوریه مثل اینکه نیاز مردم به شعر بیشتر از نیاز مردم به قرآن است و قل الفقهاء الهادون و کثر فقهاء الضلاله،فقها که گفته میشود نه فقط اصطلاحا فقهایی که میگیم که یه صنفی هستند که استنباط احکام می کنند دانشمندان فرق نمیکنه داخل این لباس روحانی یا غیر روحانی دانشمندان ضلالتگر فراوان میشوند ودانشمندان هادی کم میشوند فقهای هادی کم میشوند وکثر الفقهاء الضلاله،کلامهم الحکمه حرف که میزنند حکیمانه حرف میزنند و اعمالهم داء لا یقبل الدواء ولی کارشان را که نگاه کنی یه درد بی درمانی میشود حرفها حکیمانه است کلامهم الحکمه واعمالهم داء لایقبل الدواء،استحلوا الکذب،دروغگویی خوب دیگه حلال میشود در میان مردم اصلا زندگی با دروغ میچرخه اگه دروغ نباشه اصلا نیست وکان الرباء ظاهرا لایعیر رباء به قدری علنی میشود که دیگه قابل توبیخ هم نیست اصلا کسی حق نداره سرزنش کنه عادی میشود عجیب واقعا یعنی از معجزات ائمه(ع) است که آن روز فرمودن میبینی امروز اینجور شده وکان رباء ظاهرا لایعیر قابل سرزنش هم دیگه نیست اگه به کسی بگی میخندند اگه بگی این کار رو بکنی ربا است،این معامله ربا است باورشان نمیشود قابل سرزنش هم نیست،شیدوا البناء ساختمانهای محکم باعظمت میسازند باء الدین بالدنیا دین رو از دست میدهند دنیا رو میگیرند عطل الکتاب و احکامه قرآن تعطیل میشود،احکام قرآن تعطیل میشود،مال فراوان خرج میکنند،رایت العظیم من المال یونفق فی سخته الله آنجا که خشم خدا برانگیخته میشود زیاد پول میدهند فراون پول خرج میکنند در راه غضب خدا،خشم خدا فقط فراوان است یکی از رفقای ما چند روز پیش نقل میکرد که در قرآن ولیمه ای بود حالا عروسی بود هرچی بوده بله خرج کرده بود آن طوریکه ایشان بیان میکرد دیدم غریب به پنجاه ملیون تاغریبا برای یک شب خرج شده باشد این خیلی عجیب است وحشت انگیزه اینطور بوده که ایشان برای من نقل میکرد آن وقت همین آدم دیدیم که کارتهایی چاپ کرده همه آیه نوشته نمیدونم حدیث نوشته خیلی خوب و با نقش ونگار و اینها،عجیبه،اینها چجوری،باهم دیگه قابل جمع نیست،رایت العظیم من المال یونفخ فی سخته الله،مال فراوان در خشم خدا خرج میکنند و رایت القمار قد ظهر قماردیگه میشود رایت الملاهی قد ظهرت یمربها لا یمنع احد احدا،سازو آواز واینها دیگه خوب علنی میشود و مردم عبور هم میکنند و کسی هم حق نداره منعی کنه که چنین نکن به هر حال این هم یک روایت از ائمه(ع) و بیان حوادثی که شده حالا فرمودند شما در زمان غیبت دعا بیشتر کنید در زمان غیبت که افتاده اید در این بلاها و گرفتاریها دعا کنید که نکند حداقل اعتقادتون از امام سلب بشود این نباشد حالا بقیه گناهان فراوان اند در این دعای در زمان غیبت داریم که آنجا ولا تسلبنا الیقین لطول الامد فی غیبته خدایا نکند که چون غیبتش طول کشیده یقین ما از بین برود به این بلا مبتلا نشویم،نه واقعا گرفتاریه بزرگی است حالا این همه گناهان هست ولی کاری کنیم که حداقل اعتقادهای ما نسبت به امامهای ما خدشه برندارد لا تسلبنا الیقین لطول الامد فی غیبته ونقطاع خبره ای عنا خبرش از ما فعلا منقطع ازش خبر نداریم غایب است یک صحنه امتحانی ماست که در آن دعا میگیم ثبتنی علی طاعه ولی امرک خدایا مرا تثبیتم کن در زمان غیبت نگه ام بدار نگذار متزلزل بشوم نگذار اعتقادم از بین برود به انتظار او هستیم وروی مصلحت خدا غایب هم هست وحق نداریم بگیم چرا در همین دعا داریم که لا اقول لم و کیف نگید چرا نمیاد چطور شده نمیاد این حرفها رو نزنید لا اقول لم وکیف وما بال ولی الامر لایظهر و قد امتلات الارض من الجور نگید که زمین پر از جور که شده چرا نمیاد،زمین که پر از جور شده چه شده که ولی امر نمیاد که عالم رو اصلاح کنه نگید این کار رو در عین حال که ما دوست داریم تعجیل در فرج را ولی حق نداریم بگیم چرا نمیاد دیر شده اینها نیست بله ما وظیفه داریم برای تاجیل در فرج دعا بکنیم در این حال میگیم آنچه که خدا خواسته است،خدا خواسته تاخیر،بسیارخوب ما همان رو میخواهیم که خدا خواسته،اگه تاخیر خواسته ما هم تاخیر میخواهیم،تاجیل خواسته تاجیل میخواهیم در عین حال محبت را اظهار میکنیم و خیال نکنید که ما آماده ایم و هیچ نقشی در کار نیست

خدا نمیخواهد این همه فداکار ما اینجا داریم این همه فداکار،مجاهدین ما داریم دیگه خوب چرا نمیاد،بخاطر اینکه سی صدوسیزده نفر بیشتر نمیخواد ما فراوانیم که صدها هزار جمعیت هستیم خوب هامون حالا بدها رو کاری نداریم فراوان هستیم در کتابی خواندم که چند سال پیش تقریبا خیلی سال پیش صد سال،دویست سال پیش این وقتها صلحایی در نجف جمع بودند آدمهای خوب از اطراف آمده بودند در نجف بودند زیاد بودند بعد روزی پیش خودشان نشستند گفتند چرا امام نمیاد خوب ما که فراوان هستیم از همه جا آمدیم و از صلحا و در نجف اشرف وبعد فرمودند سی صدوسیزده نفر بیشتر نمیخوان که ما که فراوان هستیم پس چرا نمیاد بعد با هم قرار گذاشتند که سر این مطلب چیه،فاش بشود گفتند انتخاب میکنیم در خودمان یک کسی که بهترین ما باشد او برود در مسجد کوفه مسجد سهله توسل کنه به امام که سر مطلب چیه، به هر حال خودشون تقسیم کردن به دو قسمت و بهترینشون و از او دو قسمت تقسیم کردن باز به دو قسمت همینطور هر کدوم بهتر بودن تا به اون فرد آخر رسید که از همه بهتر بود دیگه از همه مقدستر بود،زاهدتر بود،اون رو انتخاب کردن که او بره مسجد سهله یا مسجد کوفه او هم رفت و بعد از دو روز سه روزی برگشت گفتند چیشد واقعیتش اینه که وقتی من از آمدم بیرون به سمت مسجد سهله که میخواستم بروم یک دفه دیدم یه شهری مقابل من ظاهر شد برای من تعجب آور بود یک شهر خیلی آباد و جلو رفتم پرسیدم این شهر کجاست؟گفتند این شهر صاحب الزمان است،شهر امام زمان است و ظهور کرده خیلی خوشحال شدم والا جویا شدم رفتم دم خانه حضرت یک کسی آمد گفتم به امام بگو فلانی آمده شما رو ملاقات کنه بعد گفت آقا فرمودن حالا تو خسته ای از راه رسیده ای برو فلان جا آدرس دادند اونجا یک بزرگی هست،یک مرد بزرگی اونجاست و دختر او را برای شما تزویج کردیم مال تو باشه دختر او را برای تو تزویج کردیم برو آنجا شب آنجا بمان بعد فردا بیا پیش ما گفت خوشحال شدم و رفتم در آن خانه پیدا کردم و بعد اون دختر رو آوردند و در اتاقی که بود مهیا کردن و رفتندتا وارد شدم دیدم در میزنندرفتم گفتم کیه،گفت امام زمان ظهور کردند بیا میخوام قیام کنیم میخوایم شما رو بفرستیم جایی گفت به امام بگید یک امشب رو صبر کنید من فردا میام او رفت و دوباره برگشت و گفت آقا نمیاد گفت الان بیا گفت حالا شما یک ساعت دو ساعتی صبر کنید گفت نه الان باید بیای گفتم آقا من نمیام تا این رو گفتم دیدم هیچی خبری نیست نه شهری هست و نه خانه ای هست و نه عروسی هست و هیچی توی بیابان نجف هستم فهمیدم که نه ما هنوز احلش نیستیم یک دختر که آوردند وبه ما تزویج کردند ما ازش نمیگذریم برای خاطر امام فهمیدم که ما احلش نیستیم،مراقب باشید اعتقادات تون سلب نشود خیلی هم مغرور نشوید نگید چرا نمیاد چرا نمیاد هنوز وقتش نیست قابل تحمل نیست برای همه ما و فرمودند اون چیزی که برای شما لازمه اینکه ورع داشته باشید در زمان غیبت حتی مثبت بها عاملون.خودشون هم فرمود که ما چرا از دسترس شما خارجیم ما یحبث عنهم اونیکه ما را از اونها دور کرده اونکه یتسل مما نکره کارهای بدی میکنند ناپسند ماست مانمیپسندیم از اون دور افتادیم فاصله ما با مردم برای همینه که کارهای خوب نمیکنند ناپسند کار میکنند ما را می آزارند فرمودند اونیکه برای شما لازمه ورع،الورع نزاع العباده،فاذا انقطع الورع ذهبت الدیانه،بدانید اونیکه دیانت رو حفظ میکند مثل همون رشته تسبیحی است که دانه ها رو حفظ میکند این ورع است تقوا از ورع،ازتقوا بالاتر ورع است،ورع یعنی از شبهات هم پرهیز میکنیم،به قدری پرهیزکاره به سوی شبه نمیرود نکند به گناه آلوده شود ورع نظام دیانت است رشته تسبیحی که دانه ها رو جمع کرده ورع است اگر این رشته پاره شود همه پراکنده میشود این دانه ها بدانید اگر ورع در شما نباشد دینتون از بین میرود این کارها رو که انجام میدید پراکنده میشود و نافعی به حال شما نخواهد بودفاذا انقطع الورع ذهبت الدیانه کما اذا انقطع السلک اتبعه النظام وقتیکه رشته پاره شد تمام آن دانه ها هم پراکنده خواهند شد به هر حال گفتیم فطرت انسان طالب امام است عقل انسان هم حاکم بر عصمتش است وحی هم که نشان داده ولی تا کی خدا بر فطرت انسان عرضی مناسب میکند تا وقتی که در همین راه فطرت درست میرود امام حق میگرده وقتیکه فطرت واژگون شد از امام حق اعراض کرد دونبال امام باطن میوفته در این صورت دیگه خدا میگیره از دست مردم نعمت را،کفر نعمت میشود و خداوند یازده امام رو آورد برای این بشر همه رو کشتند همه رو از بین بردند معلوم شد که ما نمیخواهیم این امام را نشان دادند که فطرت ما برگشته دیگه ما تابع امام نیستیم،خواهان امام نیستیم بیست وپنج سال این مردم علی امیر را خانه نشین کردند در این بیست و پنج سال رفتند در خانه ابوبکر و عمر اونها رو گرفتند علی رو ول کردند چند سال هم که خودشان به حکومت رساندند بیعتش کردند آخرش هم شمشیر زدند فرقش را شکافتند بعد او امام مجتبی رو هم مسموم کردند معاویه را تاج سر قرار دادند امام حسین رو زیر سم اسبها لگدمال کردند یزید رو آوردند رو سر خودشان نشاندند امام کاظم را توی زندان زیر قل و زنجیر جانش رو گرفتند بعد جنازه اش را بیرون آوردند خوب خدا دید که اینجورند یعنی امام طلب نیستند باید از آنها بگیره امام را مثل همان بچه ای که تا طالب شیر است پستان ازش شیر میجوشه وقتی اعراض کرد شیر می خشکه فاییده نداره دیگه بچه ای که اعراض از شیر میکند دیگه نمیتوان پستان پر از شیر بهش داد مردمی که از امام حق اعراض کردند باید از آنها گرفته بشود از زمان امام هشتم به بعد کم کم دیگه شیر ولایت در پستان ولایت خشکید تا زمان امام جواد (ع)یک خورده بیشتر کناره گیری میکردند زمان امام هادی شد خیلی کم یار مردم می آمدند زمان امام عسگری که حسابی مخفی شد دیگه زندگیشان تمام زندگیشون از نظر مردم مخفی بود دیگه یعنی اینها دیگه لایغ این نبودند حتی وسط زمان امام عسگری نرجس این خفاعا انجام شد در خانه حکیمه خاتون انجام شد تو خانه خودشان نبود گماشه بودند از مرد وزن ببینند که کدام زن حامل میشود کدام بچه به دنیامیاد گزارش بدهند به مرکز حکومت وخلافت وسطش هم در خانه حکیمه خاتون انجام شد مخفیانه و کسی نمیدانست که غالبا حضرت نرجس همسر امام عسگری(ع) است خیلی خواص فقط میدانستند وقتیکه حامل شد هیچ کس نمیدانست که حامل هست نرجس خاتون به امام عسگری(ع)حتی خودش هم نمی دانست خود مادر هم آگاه نبود که حمل دارد مخفی بود تا شب نیمه شعبان که رسید امام عسگری (ع) به عمه اش فرمود امشب بمان افطار در منزل ما فرزندم به دنیا خواهد آمد گفت آقا نرجس که آثار حمل درش نیست چطور؟فرمود که نه همونگونه که آثار حمل در مادر موسی مخفی بود این هم همینجوره مطمئن باش وقتی فجر طالع شد مهدی(ع)ظاهر خواهد شد ولذا آن شب وقتی به دنیا آمد(صلوات)حالا این جمله ام عرض میکنم که دلهای ما روشن بشود از امام عسگری(ع) فرمود که لما وهب لی ربی مهدی هذه الامه خداوند به من عنایت کرد مهدی امت به من عنایت فرمود، هبه کرد به ما،عطیه او بود در نسخه دیگر است لما ورد الصاحب وقتی صاحب به دنیا آمد این نشان میدهد هر کس صاحب عالم است،صاحب عالم امکان است،صاحب اوست است،ورد الصاحب، وقتی او به دنیا آمد دو ملک آمدن از جانب خدا او را بردن به آسمان همان روز اول ولادت رفته به معراج،همان روز اولش،ولادتش به معراج رفته وهب لی ربی مهدی هذه الامه،ارسل ملکین فحملاه الی سرادق العرش بردن به پای عرش حتی وقفا بین یدی الله عزوجل نگه اش داشتند این قنداقه تازه به دنیا آمده را بردن به عرش حالا ما خوب نمی فهمیم،نه چجوریه به چه کیفیت اونجا ایستاده بعد خدا گفت مرحبا بک خوش آمدی بنده من،مرحبا بک عبدی لنصره دینی،خوش آمدی بنده من برای یاری دین من تو به دنیا آمدی اظهار امری فرمان من به دست تو ظاهرخواهد بود مهدی عبادی تو مهدی بندگان من هستی آلیت انی بک آخذوا قسم خورده ام به وسیله تو من نعمت می دهم بک اعطی به وسیله تو عطا میکنم به بندگانم بک اغفر به وجود تو من می آمرزم بک اعذب عذاب میکنم به وسیله تواست اگر رحمت میکنم به وسیله تواست بعد فرمود برگردانید به دامن پدرش ومادرش بگویید که او در کنف من است در زمان من است نگه اش میدارم و احق به الحق و ازهق به الباطل تا به وسیله او حق را احقاق کنم و باطل را از بین ببرم خوب این هم چند جمله ای در رابطه با حضرت مهدی(ع).پروردگارا به حرمت امام زمان(ع) در فرجش تاجیل بفرما،مارا در زمره منتظرین آن حضرت محسوب بفرما،توفیق بندگی با خلوص نیت بما عنایت بفرما،خدایا حسن عاقبت به همه ی ما کرم بفرما(الهی آمین)(صلوات)